



۱۱

نمایش روحوضی در تئاتر



۱۲

آرزو دارم پیاده به کربلا بروم



۱۰

پیش بینی یک خواننده درباره مساله فلسطین

فرهنگ

پنجشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ :: شماره ۵۹۴۲



راه اندازی

طرح گنج مان در حوزه

میراث مستند



کتابخانه ملی ایران با مشارکت شرکت ققنوس، نخستین شناسنامه دیجیتال بر بستر توکن بی تا (NFT) برای میراث مستند را صادر و از اولین پلتفرم مشارکت ایرانیان برای حمایت از میراث مستند تحت عنوان گنج مان رونمایی کرد.

همکاری مشترک کتابخانه ملی ایران با شرکت یکتا ققنوس پارس، در مراسمی با حضور اشرف بروجردی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و سیدولی... فاطمی اردکانی، مدیرعامل شرکت ققنوس به صورت رسمی به منظور ایجاد تحولی در حمایت از میراث مستند آغاز شد. در این رویداد از طرح گنجمان، پلتفرم حمایت از میراث مستند و بستر صدور شناسنامه دیجیتال با توکن بی تا (NFT) بر بستر شبکه ققنوس برای آثار هنری و در مرحله اول برای میراث مستند و نسخ خطی با یک جلد نفیس از حافظ و خیام، رونمایی شد.

میراث مستند شامل نسخ خطی، هر یک پاره ای از هویت ملی و زبانی پارسی زبانان هستند و از معدود آثار به جامانده از سال های دور به شمار می روند که در بردارنده تاریخ، فرهنگ و گذشته ایرانیان است. متأسفانه تعدادی از نسخ خطی باقیمانده به خارج از کشور رفته و فروخته شده اند. تعداد دیگری هم که آمار مشخصی از آن وجود ندارد، توسط مردم و در خانه ها و در شرایط نامطلوب نگهداری می شود.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی با مشارکت شرکت ققنوس، در پروژه ای به نام «گنج مان» به دنبال جذب مشارکت های مردمی از طریق اجرای برنامه جمع سپاری تأمین مالی برای میراث مستند است تا اقدام به خریداری این گنجینه ارزشمند کند تا با اهدای نسخ خریداری شده به سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، در گام نخست از آنها حفاظت شود و در گام دوم در اختیار پژوهشگران برای مطالعه و پژوهش قرار گیرد؛ این طرح به دلیل قابلیت مشارکت شفاف عموم ایرانیان برای اهدای کمک، فرآیند ارزیابی دقیق اصالت و ویژگی های میراث مستند در کمیته ارزیابی کتابخانه ملی ایران و فناوری به روز شبکه ققنوس، تحولی در حمایت از میراث مستند است.

صدور شناسنامه دیجیتال میراث مستند برای نخستین بار در ایران همکاری مشترک دیگر کتابخانه ملی ایران با ققنوس است که با استفاده از توکن بی تا (NFT) بر بستر شبکه ققنوس، اولین و بزرگ ترین زیرساخت فناوری دفترکل توزیع شده در ایران، انجام می شود تا میراث مستند باقیمانده را جمع آوری و شناسنامه دار کند. از مهم ترین مزایای این طرح، ثبت رسمی میراث مستند، تهیه نسخ دیجیتال از این آثار و قابلیت مبادله دیجیتال آثار است.



اولین و آخرین دیدار با فروغ



۳۰ اردیبهشت زادروز احمد رضا احمدی است

احمد رضا احمدی را دیگر همه می شناسند؛ شاعری که سال هاست بی صدا و بی حاشیه ادبیات را به مردم معاصرش هدیه می کند. احمدی سال گذشته دچار سکنه مغزی شد اما این روزها حالش خوب است و روزگار کرونا را در خانه سپری می کند. برایش آرزوی سلامتی داریم.

یکی از وجوه مهم شخصیتی احمدی فارغ از شعرهایش، خاطرات مهمی است که از شخصیت های مختلف هنر معاصر در یاد دارد. او این خاطرات را در کتاب های بسیاری نوشته یا سال های پیش تا آنجا که توانسته در رسانه های مکتوب و غیرمکتوب مختلف بیان کرده تا یاد عزیزانش را زنده نگه دارد. یکی از شاخص ترین افرادی که احتمالاً خاطراتش با احمد رضا هم خواندنی و هم در تاریخ هنر معاصر مهم است، فروغ فرخزاد است؛ شاعری که احمد رضا رابطه نزدیکی با او داشت. در ادامه دو روایت از احمد رضا احمدی را می خوانید که اولین و آخرین دیدارش با فروغ را شرح می دهد:

«اولین دیدار من و فروغ دقیقاً یکمادم هست. وقتی به دبیرستان دارالفنون می رفتم با آقایانی به اسم امیرعباس حامد که الان در آمریکا است و کار سینما می کند، همکلاس بودم. او دوست مهرداد صمدی بود. کتاب من که درآمد، مهرداد گفت امیرعباس حامد از کتاب تو خیلی خوشش آمده. یک شب با حامد به کانون فیلم رفته بودیم و فروغ هم آمده بود. امیر رفت سلام و علیک کرد و آشنایی داد. فروغ آدرس خانه اش را داد. خانه اش خیابان بهار، مزین الدوله بود. بالایش هم جایی بود که خانه فرخ تجمی می شد. من و مهرداد صمدی و حامد رفتیم. فروغ تازه آنجا را اجاره کرده بود و تابلویی از سپهری به دیوار زده بود و یک گلیم، خیلی ساده. من کتاب را به او دادم و خواند و خیلی خوشش آمد.»

و اما روایت دوم و آخرین دیدار احمد رضا احمدی با فروغ فرخزاد: «آخرین باری که فروغ را دیدیم هم خانه بهمن محمص بود که با ابراهیم گلستان آمده بودند تابلو ببینند. مرگ پدرم را به من تسلیت گفت. سه روز قبل از فوتش هم شب خانه مهرداد صمدی بودیم و با آن چپ معروفش مرا که آن زمان خانه مان ژاله بود رساند و دیگر ندیدمش. تا این که به کتابفروشی نیل رفته بودم که همه آنجا جمع می شدیم و خبر آوردند که فروغ دیشب تصادف کرده و مرده است. این آخرین دیدارها بود.»



پیمان طالبی

ادبیات و هنر

تخریب قبور مطهر ائمه بقیع (ع) داغی است که سال هاست بر قلب شیعه سنگینی می کند. داغی که با خدعه و هابیت ملعون و زمینه سازی دشمنان تشیع ایجاد شد و قابل چشم پوشی هم نیست. مدت هاست که راه زیارت بقیع به روی عاشقان امامان و معصومین (ع) بسته است و هیچ کس نیز مسؤلیت این بی عدالتی را به عهده نمی گیرد. البته تا بوده همین بوده. دنیا در برابر وقایع این چنینی که ظلم عیان و آشکار به یک تفکر محسوب می شود، ترجیح می دهد که سکوت کند اما برای حمایت منحنط همیشه حاضر و آماده است.

با مرور تاریخ و بررسی آنچه بر مزار مطهر مدفونین قبرستان بقیع گذشته، درمی یابیم که برخی علمای شیعه در طول سالیان دراز، برای پنهان اوضاع این مزار مقدس تلاش ها و مجاهدات

بسیاری کرده اند. از جمله این علما باید به عبدالرحیم حائری معروف به فصولی یا صاحب الفصول اشاره کرد که در یک کلام می توان گفت اگر امروز اثری از قبرهای معصومین در قبرستان بقیع باقی است، نتیجه اهتمام و مجاهدت این عالم بزرگوار و برجسته است. امروز قرار است مراسمی تحت عنوان «پنج روزه های بهشت» در گرامیداشت علامه نیز در تهران برگزار شود که مطالعه این گزارش در باب شخصیت او نیز بی مناسبت نمی تواند باشد.

یکی از بین هزاران

منطقه ای که در آن قبرستان بقیع واقع است در حقیقت خانه عقیل برادر امیرالمومنین (ع) بوده است. این محل همواره مورد علاقه و ارادت شیعیان بوده و برای زیارتش از مکان های دور و با زحمت فراوان حضور می یافتند. ریشه عداوت با ائمه بقیع سببه ای طولانی داشت که اصل آن به زمانی باز می گردد که رسول خدا (ص) برای اعلان اسلام، مخالفت هایی را می بیند و اختلافاتی ایجاد می شود. اما زمانی که قبور ائمه بقیع (ع) تخریب شد خبرش به عالم می رسد و مردم عزادار می شوند. اکثر شهرهای ایران و مساجدش سیاهپوش می شوند و مردم در دسته های زیاد به عزای می نشینند و راجع به این موضوع گفتارهایی صورت می گیرد. در زمانی که مردم اینچنین به عزاداری می پرداختند، افرادی بودند که دغدغه بالایی برای اصلاح وضع موجود آن زمان داشتند. در بین اینها شخصیتی بود که به لحاظ مقام علمی و معنوی، احساس مسؤلیت بیشتری می کرد و او کسی نبود جز علامه حاج شیخ عبدالرحیم حائری صاحب الفصول. این شخصیت محترم دغدغه بسیاری درباره چرایی تخریب قبور ائمه بقیع داشت و این مسأله او را آزار می داد که اگر این تخریب ادامه پیدا کند و زمین صافکاری شود، هیچ آثاری از قبور مطهر معصومین (ع) نخواهد بود و این غم سال ها همواره بر پیشانی شیعه باقی خواهد ماند. به همین علت تصمیم می گیرد اقدامی انجام دهد.

مذاکره برای حفظ حریم

مهم ترین فعالیت حائری در سفر حج سال ۱۳۴۵ هجری قمری روی داد. زمانی که او توانست از تعطیلی حج ایرانیان جلوگیری کند

احیا و ترمیم بقیع بزرگان دین از کشورهای مختلف جهان قاضاهایی را به پادشاه سعودی ارائه کرده بودند، ولی هر بار با جواب منفی آنها مواجه می شدند. حکام و علمای عربستان کلا ساخت و ترمیم مقبره را حرام معرفی کرده بودند. از این منظر اقدام علامه اتفاق بسیار مهمی محسوب می شود.

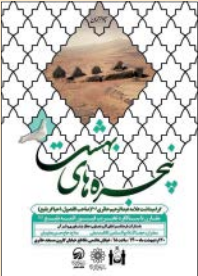
به هر حال تا پیش از اقدام علامه هیچ کس نتوانست اقدام مؤثری برای معلوم شدن قبور ائمه مطهر بقیع انجام دهد. مسأله ای که در آن زمان وجود داشت این بود که از یک طرف عربستان اجازه نمی داد که زوار وارد عربستان شوند و از سوی دیگر نیز دلش نمی خواست از درآمد حاصل از سفر زوار به کشور خود بگذرد چرا که پول های مسافران و زائرانی که قصد زیارت مکه و مدینه را داشتند، در آن برهه زمانی بخش مهمی از درآمد کشور عربستان را تشکیل می داد.

متن توافق نامه پادشاه عربستان با علامه حائری

«از عبدالعزیز پسر عبدالرحمن آل فیصل به حضرت فاضل محترم شیخ عبدالرحیم صاحب الفصول سلام و رحمت و برکات خدا بر شما. بعد ما تأکید می کنیم قبه پیغمبر (ص) را احدی به بدی لمس نکند و چنین چیزی هرگز به خاطر ما خطور نکرده است که آن را به بدی لمس نماییم (منظور این که قبه قبر پیغمبر (ص) را خراب نخواهیم کرد) و برای پیغمبر نزد ما احترامی است که با هیچ حرمتی برابری نمی کند.

چرا صاحب الفصول؟

حجت الاسلام و المسلمین میثم جلالیان که در حال حاضر امام جماعت مسجد حائری است درباره عنوان صاحب الفصول چنین می گوید: «عنوان صاحب الفصول برای مرحوم علامه حائری به نام پدر بزرگشان که کتابی به نام الفصول در علم اصول داشتند، برمی گردد. این کتاب در سطوح عالی حوزه های علمیه تدریس می شود.» در حال حاضر مسجدی در تهران به نام علامه حائری است. جلالیان درباره کیفیت نامگذاری مسجد چنین می گوید: «پدر بزرگ علامه ساکن کربلای معلی بودند و خود علامه نیز در این شهر سکونت داشتند. بعد از کربلا ایشان مدتی در اصفهان و سپس در تهران ساکن شده اند. حداقل محلی که در حال حاضر مسجد حائری در آن واقع



است، تا خیابان امام خمینی (ره) در قدیم باغی بوده است که این باغ به همسر مرحوم علامه تعلق داشته است. همسر مرحوم علامه این باغ را به علامه هبه می کنند و علامه نیز این باغ را وقف مسجد می نمایند.» امروز ساعت ۱۸ در همین مسجد در تقاطع خیابان کارون و هاشمی، مراسمی در گرامیداشت مقام علامه حائری برگزار خواهد شد.



اما مسائل قبور بقیع و آنچه متعلق به آن است از بنا پس ما چنانچه به شما خبر دادیم تابع شریعت اسلامیم و نه اهل بدعت و آماده ایم اوامر علمای مسلمین را از هر مذهب که باشد محترم بشماریم؛ و اما راجع به مذاکرات دیگر به زودی نظر خود را برای شما بیان خواهیم کرد و امر خواهیم کرد قبور بقیع را نظیف کرده و تسطیح کنند. مطابق آنچه در شرع جایز است با کشیدن دیواری در اطراف آن که از پلیدی حفظ شوند و برای شما تأکید می کنیم ما منع نمی کنیم هیچ کس را از زیارت قبور بقیع، اگر زائران در زیارت خود متابعت کنند طبقه شریعه و آداب دینی را و به تحقیق امر نمودیم به نوشتن این سند و تا شما آن را برای مردم منتشر کنید. این بود آنچه لازم بود بیان آن و خدا حفظ کند شما را.»

بعد چه شد؟

آن گونه که فرزند علامه نقل کرده اند علامه حائری بعد از امضای این توافق نامه، با کسانی که همراهش بودند به سمت قبور بقیع می روند. آنجا گویی مانند خانه مغروبه ای بود که جای در و لوازم آنجا معلوم بود. قبور مطهر ائمه (ع) با این که تخریب شده بود، اما جایگاه قبور و آثارشان کاملاً معلوم بود؛ یعنی قبور هر کدام از ائمه (ع) و قبر عباس عمومی پامیر (ص) مشخص و قابل تفکیک بود. بنابراین شروع به ترمیم و بازسازی آنجا می کنند. اول از همه با کمک گروهی که رفته بود دور مزار چهار امام را سنگچین می گذارند تا حرمش مشخص شود و بعد هم دور تا دور بقیع را مرزبندی می کنند. بنابر نقل معروف سنگ هایی که امروز دور قبور ائمه بقیع (ع) مشاهده می شود، از یادگارهای علامه حائری است. پس از این ماجرا، علامه به تهران بازگشت و فرمود: جشن بگیرد.

علامه با همز بیکار نمی نشیند

بله! بعد از این اقدام مهم در تاریخ تشیع نیز علامه بیکار ننشست و دو سال بعد از این اتفاق، برای پیگیری اقدامات خود و تسهیل زیارت بقیع به حج رفت. در این سفر، مسیر خود را از راه جبل که مشکلات پرشماری برای ایرانیان و شیعیان داشت، انتخاب کرد و در مسیر ضمن گفت و گو با سراسر طوایف و قبایل، زمینه آشتی با آنها را مهیا کرد. پس از اتمام حج نیز مصرانه خواستار اجرای مفاد نامه قبل شد و قول های مساعدی نیز دریافت کرد.